

پزشکیان اول شد احمدی نژاد آخر

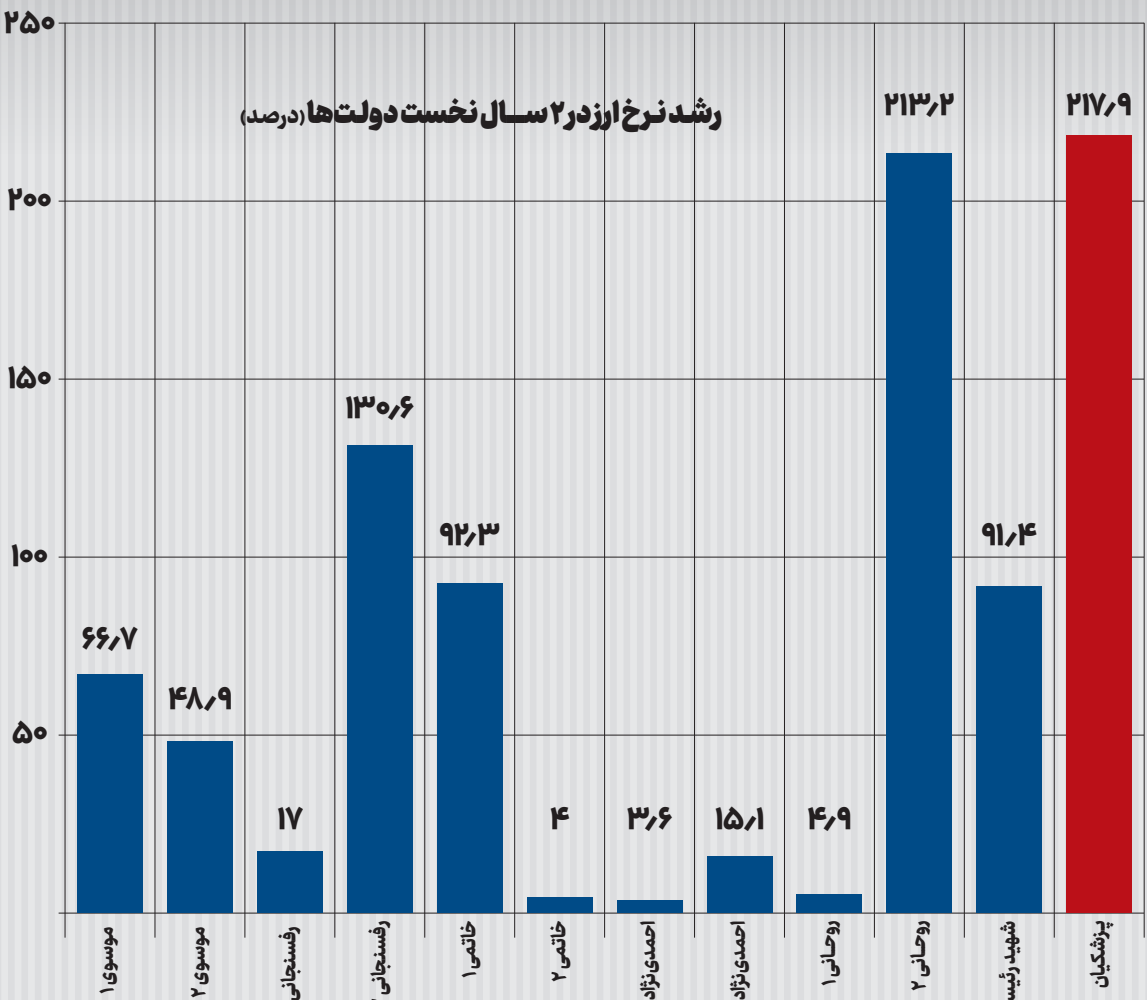
دوم رفسنجانی است که در آن مدت قیمت ارز ۶/۶۳ درصد بالا رفته بود. رتبه چهارم هم در اختیار دولت اول خاتمی است که ۳/۹۲ درصد گرانی ارز را در دو سال نخست خود ثبت کرده بود. براساس این آمار، دولت احمدی نژاد در رتبه آخر قرار گرفته چراکه در ۲ سال نخست دولت نهم قیمت ارز فقط ۶/۳ درصد افزایش یافته بود.

رتبه اول را به نام خود ثبت کرده است. پیش از این رتبه اول گرانی ارز در ۲ سال نخست دولت‌ها، در اختیار دولت دوازدهم (دولت دوم حسن روحانی) با ۲/۲۱۳ درصد افزایش بود. بدین ترتیب با اول شدن پزشکیان، حسن روحانی به رتبه دوم نزول پیدا کرده است. رتبه سوم گرانی ارز در ۲ سال نخست هم مربوط به دولت

براساس آمارها، در بین دولت‌های پس از انقلاب، از لحاظ میزان افزایش قیمت دلار در ۲ سال نخست، دولت پزشکیان در رتبه اول قرار گرفته است. از مرداد ۱۴۰۳ که دولت پزشکیان شروع به کار کرد تا مرداد امسال، طی ۲ سال قیمت دلار در بازار آزاد ۹/۲۱۷ درصد بالا رفته است و از این لحاظ، دولت چهاردهم

رتبه دولت‌ها در افزایش نرخ ارز در ۲ سال نخست

رتبه	دولت	درصد گرانی ارز
۱	پزشکیان	۹/۲۱۷
۲	روحانی ۲	۲/۲۱۳
۳	رفسنجانی ۲	۶/۱۳۰
۴	خاتمی ۱	۳/۹۲
۵	شهید رئیسی	۴/۹۱
۶	موسوی ۱	۷/۶۶
۷	موسوی ۲	۹/۴۸
۸	رفسنجانی ۱	۱۷
۹	احمدی نژاد ۲	۱/۱۵
۱۰	روحانی ۱	۹/۴
۱۱	خاتمی ۲	۴
۱۲	احمدی نژاد ۱	۶/۳



مصطفی طاهری، عضو کمیسیون صنایع مجلس
در گفت‌وگو با چارسوق تشریح کرد:

گرانی تحمیلی به مردم با خصوصی سازی نادرست ایران خودرو

واگذاری ایران خودرو به کروز برخلاف اصل ۴۴ قانون اساسی است

چگونه ایران خودرو را به کروز که پرونده مفتوحه تخلف ۳۰ هزار میلیارد تومانی دارد واگذار کرده‌اند

ادعای رئیس جمهور درباره وقوع قطعی در صورت تداوم پرداخت ارز ترجیحی منطبق برواقعیت نیست

رئیس جمهور چرا وسط جنگ درباره قطعی صحبت می‌کند و پالس ضعف می‌فرستد

اگر فشار بالا به آمریکا وارد کنیم از منطقه فرار خواهد کرد

حامیان مذاکره بدانند که به فرجام خاصی نمی‌رسند و حامیان مذاکره اگر پشیمان شوند ملت آن‌ها را خواهد بخشید

واگذاری ایران خودرو به کروز غیرقانونی و برخلاف نظر شورای رقابت بوده است

کروز برای اولین بار در تاریخ خودرو سازی ایران ظرف ۱۱ ماه ۳ مرتبه قیمت محصولات ایران خودرو را بالا برده است

محصولات ایران خودرو ۱۴۵ تا ۱۸۰ درصد گران شده، اما هیچ کس پاسخگو نیست

دولت پزشکیان ایران خودرو را از چاله خارج و به درون چاه انداخت

رئیس جمهور بداند تا ابد به اسم وفاق نمی‌توان کارشناسان را ساکت کرد

مشاوران رئیس جمهور درباره واگذاری ایران خودرو اطلاعات غلط به او می‌دهند

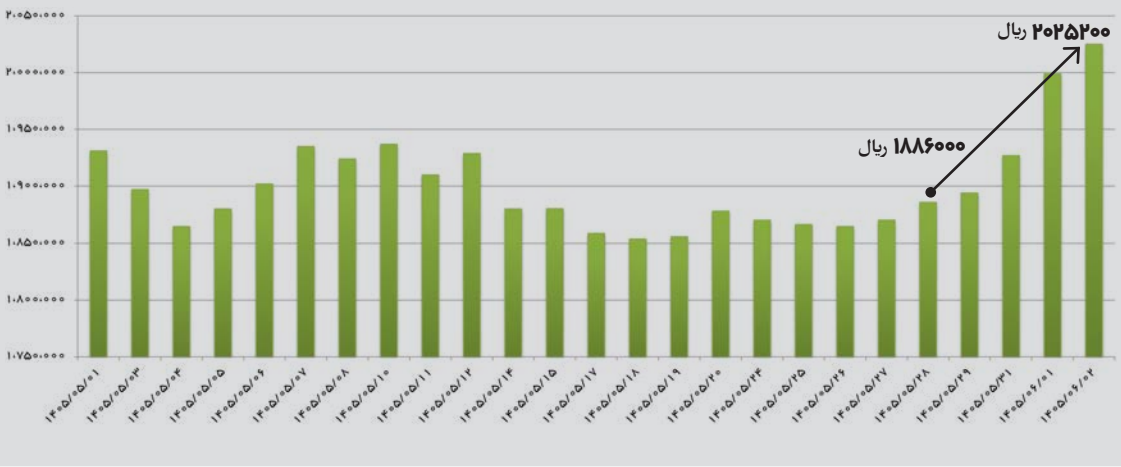


نقش همتی در گرانی ارز

نقش همتی در گرانی ارز

که همتی در برنامه تلویزیونی مدعی شد صادرات نفت کشور صفر شده و درآمد ارزی نداریم، سیگنال بدی به بازار ارز داده شد. از صبح پنجشنبه گذشته بازار ارز تحت تاثیر اظهارات نادرست همتی قرار گرفت و تا روز دوشنبه ۱۴ هزار تومان گران شد.

عبدالناصر همتی رئیس بانک مرکزی پزشکیان روز گذشته مدعی شد: بالا رفتن قیمت ارز به دلیل حمله‌های تبلیغاتی و جوسازی آمریکایی‌ها است. اما واقعیت آن است که با توجه به شرایط جنگی کشور، بازار ارز روند ملایمی را طی می‌کرد اما از چهارشنبه هفته گذشته





بورس از همه بازارها جلوزد

اگر گزارش‌های ماهانه شرکت‌ها همچنان از فروش و سودآوری مناسب حکایت کنند و ریسک‌های سیاسی نیز در مسیر کنترل‌شده‌ای باقی بمانند، ادامه روند صعودی بازار سرمایه در شهریورماه البته با سرعتی کمتر از ماه‌های گذشته قابل‌تصور است.

بازار سهام در پنج ماه نخست سال ۱۴۰۵ تصویری متفاوت از آنچه در ابتدای سال انتظار می‌رفت ارائه کرد؛ بازاری که سال جاری را پس از ۸۰ روز توقف معاملات و در فضایی پرابهام آغاز کرده بود، نه فقط توانست شوک‌های اولیه را پشت سر بگذارد، بلکه در پایان مردادماه به صدر جدول بازدهی بازارهای دارایی رسید. ضمن این که شاخص کل با ثبت رشد ۶۳ درصدی و شاخص هم‌وزن با افزایش نزدیک به ۸۰ درصدی، فاصله معناداری با بازارهای رقیب ایجاد کردند.

براین اساس، مقایسه‌سه بازدهی بازارها، ابعاد این اتفاق را روشن‌تر می‌کند؛ جایی که دلار آزاد در این مدت حدود ۲۴.۷ درصد افزایش یافت، صندوق‌های طلا ۱۸.۲ درصد و صندوق‌های درآمد ثابت ۱۴.۶ درصد بازدهی داشتند. سودسپرده بانکی نیز ۱۲.۱۴ درصد بود و رشد طلای ۱۸ عیار به تنها ۵.۵ درصد رسید. حتی برخی انواع سکه طلا در این دوره بازدهی منفی ثبت کردند. در چنین شرایطی، بورس نه فقط از رقبای خود عقب نماند، بلکه با فاصله قابل‌توجهی به برابزاده‌ترین بازار دارایی تبدیل شد.

اما صد رزشینی بورس را نمی‌توان صرفاً به موج نقدینگی یا هیجان خرید نسبت داد؛ چراکه بررسی عملکرد شرکت‌ها نشان می‌دهد بخشی از این رشد با پشتوانه بهبود متغیرهای بنیادی شکل گرفته است؛ جایی که افزایش فروش، رشد سود عملیاتی و بهبود سود خالص در شماری از صنایع، زمینه‌ای فراهم کرد که قیمت سهام بتواند بخشی از عقب‌ماندگی سال‌های گذشته را جبران کند. به عنوان مثال در دارویی‌ها افزایش نرخ محصولات، در صنایع غذایی رشد فروش، در بانک‌ها افزایش درآمدهای خدماتی و در صنعت سیمان نیز شرایط معاملات بورس کالا از جمله عوامل اثرگذار بر عملکرد شرکت‌ها بوده‌اند.

عامل دیگری که در این مسیر نقش داشت، تغییر فضای سیاسی بود. کاهش تنش‌ها، آتش‌بس و ادامه مذاکرات، بخشی از ریسک سیاسی تحمیل‌شده به بازار سهام در این مدت را کاهش داد و به سرمایه‌گذاران اجازه داد با اطمینان بیشتری به متغیرهای بنیادی شرکت‌ها توجه کنند. در مقابل، سرمایه‌گذاران در بازارهایی مانند ارز و طلا همچنان بخشی از تصمیم‌های خود را به تحولات سیاسی و مسیرآینده نرخ ارز گره زده‌اند؛ موضوعی که می‌تواند از شتاب حرکت این بازارها بکاهد.

با این حال، نقطه‌مهم ماجرا اینجاست که بورس در شهریورماه دیگر همان بازاری نیست که در ابتدای سال با قیمت‌های پایین‌تر مواجه بود؛ چراکه رشد ۶۳ درصدی شاخص کل به این معنا نیست که تمام نمادها گران شده‌اند و رشد کرده‌اند؛ براین اساس به باور کارشناسان همچنان سهم‌هایی با نسبت قیمت به سود پایین در بازار سهام وجود دارند اما دیگر نمی‌توان کل بازار را یکپارچه ارزان ارزیابی کرد. بنابراین، انتظار تکرار رشد‌های بسیار پرشتاب ماه‌های گذشته، بدون ظهور یک محرک تازه بنیادی یا سیاسی، چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. از سوی دیگر، بورس با مجموعه‌ای از ریسک‌های اقتصادی نیز روبه‌رو است. مداوم سیاست‌های انقباضی، رکود طولانی مدت اقتصاد و نشانه‌های منعکس‌شده در گزارش‌های اقتصادی می‌تواند بر تولید و سودآوری شرکت‌ها فشار وارد کند. در حوزه سیاست خارجی نیز هر تحول در مذاکرات، محدودیت‌های اقتصادی، صادرات نفت و درآمد‌های دولت می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر بازار سرمایه اثر بگذارد. به بیان دیگر، همان‌طور که گاه‌ن ریسک سیاسی یکی از موتورهای رشد بورس بوده، بازگشت این ریسک می‌تواند به مهم‌ترین تهدید مسیرآینده تبدیل شود.

در همین حال، کارشناسان معتقدند رفتار معامله‌گران نیز تغییر کرده و بخشی از سرمایه‌ها به سمت شرکت‌هایی رفته که در صورت کاهش تنش‌ها و پیشرفت مذاکرات می‌توانند متنفع شوند و بخش دیگری از تقاضا به سمت بنگاه‌هایی متمایل شده که درآمد داخلی بیشتری دارند و وابستگی کمتری به صادرات دارند. این تغییر ترکیب تقاضا نشان می‌دهد بازار در مرحله جدید، بیش از گذشته به کیفیت سود و مدل درآمدی شرکت‌ها توجه خواهد کرد.

براین اساس عبور شاخص کل از مرز ۶ میلیون واحد نیز از همین منظر اهمیت دارد؛ چراکه این اتفاق از یک‌سوم‌شان دهنده قدرت روند صعودی ماه‌های اخیر است و از سوی دیگر، بازار را وارد محدوده‌ای می‌کند که حفظ آن نیازمند پشتوانه نقدینگی و عملکرد واقعی شرکت‌هاست. بنابراین در صورت تداوم ورود پول و حفظ شرایط حمایتی، تثبیت شاخص بالای این سطح می‌تواند زمینه حرکت به سمت ارتفاعات بالاتر را فراهم کند؛ در غیراین صورت، افزایش عرضه و جابه‌جایی سرمایه میان صنایع و نمادهای می‌تواند جایگزین رشد یکپارچه بازار شود.

نکته مهم دیگر، تفاوت شرایط فعلی با دوره‌های هیجانی گذشته است؛ چراکه ارزش دلاری بازار سهام همچنان با اوج تاریخی خود فاصله زیادی دارد و از این منظر، رشد قیمت سهام به تنهایی نمی‌تواند نشان‌دهانه ورود بورس به محدوده حیاتی تلقی شود. مقایسه با سال ۱۳۹۹ نیز این تفاوت را برجسته می‌کند؛ زمانی که ارزش دلاری بازار سرمایه به بیش از ۴۵۰ میلیارد دلار رسیده بود، در حالی که شرایط فعلی فاصله قابل‌توجهی با آن سطح دارد.

درنهایت، آزمون اصلی بورس این روزها دیگر عبور از کانال‌های تاریخی نیست و به باور کارشناسان مسئله مهم‌تر، توان بازار سهام برای حفظ این ارتفاعات است. براین اساس اگر گزارش‌های ماهانه شرکت‌ها همچنان از فروش و سودآوری مناسب حکایت کنند و ریسک‌های سیاسی نیز در مسیر کنترل‌شد‌های باقی بمانند، ادامه روند صعودی البته با سرعتی کمتر از ماه‌های گذشته قابل‌تصور است. اما اگر یکی از این دو پشتوانه تضعیف شود، احتمالاً بازار سرمایه به جای یک رشد فراگیر، وارد مرحله‌ای از چرخش نقدینگی، استراحت و انتخاب‌گری بیشتر خواهد شد. به همین دلیل، شهریورماه را می‌توان نخستین آزمون جدی بورس پس از جهش تاریخی پنج‌ماه‌نخست سال دانست.



مصطفی طاهری، عضو کمیسیون صنایع مجلس در گفت‌وگو با چارسوق تشریح کرد:

گرانی تحمیلی به مردم با خصوصی سازی نادرست ایران خودرو

■ واگذاری ایران خودرو به کروز غیرقانونی و برخلاف نظر شورای رقابت بوده است

■ کروز برای اولین بار در تاریخ خودروسازی ایران ظرف ۱۱ ماه ۳ مرتبه قیمت محصولات ایران خودرو را بالا برده است

■ محصولات ایران خودرو ۱۴۵ تا ۱۸۰ درصد گران شده اما هیچ کس پاسخگو نیست

■ دولت پزشکیان ایران خودرو را از چاله خارج و به درون چاه انداخت

■ رئیس جمهور بداند تا ابد به اسم وفاق نمی‌توان کارشناسان را ساکت کرد

■ مشاوران رئیس جمهور درباره واگذاری ایران خودرو اطلاعات غلط به او می‌دهند

گفت وگو

برای بررسی مشکلات واگذاری پرچرف و حدیث ایران خودرو به کروز و تحلیل شرایط جنگی میان ایران و آمریکا به گفت‌وگو با «مصطفی طاهری»، نماینده مجلس پرداخته‌ایم:

■ نظر شما درباره واگذاری ایران خودرو به کروز چیست؟

واگذاری ایران خودرو به شرکت کروز از نظر شکلی، حقوقی و قانونی یک خلاف آشکار بوده است. شورای رقابت بر اساس قانون برنامه هفتم توسعه مرجع رسیدگی به قانونی بودن واگذاری مالک ایران خودرو باشد بلکه به طی ۸ مورد وجود تعارض منافع در این واگذاری را اثبات نموده است. با این حال عجیب است که نظر شورای رقابت ملاک کار قرار نگرفته و همچنان مالک ایران خودرو به کروز واگذار شده است. همچنین بر اساس قانون برنامه هفتم توسعه کروز نه تنها نمی‌توانسته مالک ایران خودرو باشد بلکه به دلیل تعارض منافع‌ی که دارد باید همان سهام پیشین را هم نهایتاً ظرف ۲ سال واگذار می‌کرده است. حال یکی به من به عنوان نماینده مجلس توضیح دهد که چرا چنین عمل خلاف قانونی اتفاق افتاده است.

■ اما آقای رئیس جمهور صراحتاً در گفت‌وگوی تلویزیونی از واگذاری ایران خودرو به کروز دفاع کرده‌اند.

ظاهراً مشاوران آقای پزشکیان اطلاعات غلط به ایشان می‌دهند. چگونه می‌توان از واگذاری ایران خودرو به کروز دفاع کرد وقتی که حتی مجمع برگزارشده هم ایراد قانونی داشته است. آقای پزشکیان عزیز ما همه دلسوز شما هستیم ولی تا ابد که نمی‌توان به اسم وفاق دیگران را ساکت کرد و اجازه بحث کارشناسی نداد. دولت با واگذاری اشتباه ایران خودرو،۱۰ مجموعه را از چاله خارج کرده و به درون چاه انداخته است. الان مشکلات و ایراداتی که برای ایران خودرو پس از واگذاری ایجاد شده خیلی بیشتر و بزرگتر از دوران پیش از واگذاری است. از سوی دیگر، مردم در حال پرداخت تاوان تصمیم غلط دولت پزشکیان هستند. چراکه برای اولین بار در تاریخ خودروسازی ایران، شرکت کروز به عنوان مالک ایران خودرو، ظرف ۱۱ ماه اخیر ۲ بار افزایش قیمت بر محصولات ایران خودرو اعمال کرده است. یعنی به طور میانگین ما بین ۱۴۵ تا ۱۸۰ درصد افزایش قیمت در محصولات گوناگون ایران خودرو در کمتر از یک سال اخیر شاهد بوده‌ایم. خب آقای پزشکیان چگونه از چنین فاجعه‌ای دفاع می‌کنند.

■ آیا کروز از پیش پرونده حقوقی مفتوحه داشته است؟

بله. یک پرونده بالای ۴ هزار میلیارد تومان مربوط به چند سال قبل دارد. البته اگر مبلغ با ریال جدید به روزرسانی شود سسر به فلک می‌گذارد و چندین برابر می‌شود. بنابراین واگذاری ایران خودرو به کروز افتخاری ندارد که آقای پزشکیان در تلویزیون برای دولتشان دستاورد خیالی از آن بسازند. من افتخار می‌کنم که جزء نمایندگان استیضاح‌کننده عبدالناصر همتی به عنوان وزیر وقت اقتصاد بوده‌ام، چراکه رقم‌زننده فاجعه واگذاری ایران خودرو به کروز ایشان است و پزشکیان بی‌جهت از او دفاع می‌کنند.

■ عده‌ای از حقوق‌دانان معتقدند واگذاری شرکت‌های مادری چون ایران خودرو بر خلاف

می‌رساند. ما نباید وسط جنگ

پالس ضعف به دشمن ارسال کنیم. آقای دکتر پزشکیان به جای آه و ناله‌های مداوم و ادعاهای عجیب در رسانه‌ها بهتر است کمی هم به کارشناسان رجوع کنند. مگر ایشان در تبلیغات انتخاباتی مدعی نبودند که بدون نظر کارشناسان هیچ تصمیمی نخواهند گرفت و هیچ سخنی بر زبان نخواهند آورد. خب این ادعای وقوع قطعی را نزد کارشناسان و اندیشکده‌ها مطرح کنند و بررسی شود که آیا واقعاً در ایران بزرگ، با این میزان از منابع خدادادی و ۱۵ همسایه‌ای که ما داریم آیا اصلاً امکان وقوع قطعی وجود دارد یا خیر؟

■ شما اشاره داشتید که کروز ۳ مرتبه در کمتر از یک سال قیمت محصولات ایران خودرو را بالا برده است. مقصر این میزان آزادی عمل مدیران کروز کدام نهاد یا سازمان است؟

مقصر اصلی سازمان حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده است که فقط به فاکتور اصلی تولیدکننده خودرو اعتماد می‌کند. آن‌هم از شرکتی مانند کروز که از قبل به ما ثابت شده که گران‌فروشی داشته است. درباره کیفیت محصولات خودروسازان هم حرف و حدیث بسیار است. باید از خودمان بپرسیم که آیا از حد خارج کردن خودروهای فرسوده در ازای این خودروهای بی‌کیفیت تولید جدید منطقی است. طرح جایگزینی خودروهای فرسوده و ممنوعیت تردد خودروهای بالای ۲۰ سال در کلان‌شهرها انصافاً طرح خوبی است. اما طبق معمول دولت پزشکیان زمان بسیار بدی را برای انجام یک کار خوب تعیین کرده است.

■ چه قدر با این ادعای آقای رئیس جمهور که اگر از ۲۸۵۰۰ تومانی حذف نمی‌شد قطعی به وجود می‌آمد موافقتی؟

این ادعای رئیس جمهور که اگر از ۲۸۵۰۰ تومانی را حذف نمی‌کردیم قطعی می‌شد منطقی بر واقعیت نیست. چگونه ممکن است که دولت‌های رئیسی و روحانی به کالاهای اساسی ارز ترجیحی پرداخت کردند و قطعی هم نشد اما تا نوبت دولت پزشکیان رسید از آسمان قطعی ایران و شاید؟ به نظرم کمی به شعور مردم احترام بگذاریم و اظهارنظرهای عجیب کمتری داشته باشیم. همان‌دی‌ماه ۱۴۰۴ دولتی‌ها تصمیم به حذف ارز ترجیحی و به قول خودشان حذف رانت گرفتند من گفتم استدلال مدیران دولت که ما گرانی را به قطعی ترجیح می‌دهیم استدلال سخیف و ناپخته‌ای است. مردم مطمئن باشند نه قطعی در کار بوده و نه قرار است در کار باشد و الحمدالله کالا در کشور به وفور وجود داشته و دارد. این استدلال‌های قطعی هم برای توجیه گران‌سازی ارز از سوی دولتمردان و مدیران دولتی مطرح می‌شود تا از زیر فشارها خارج شوند. چراکه حذف ارز ترجیحی حقیقتاً تورم و گرانی شدیدی به مردم عادی تحمیل کرده است. ببینید من خودم حامی ارز چندنرخی نیستم اما معتقدم می‌توان یک روش میانه‌ای یافت که نه منابع کشور به یغما برود و نه مردم زیر بار گرانی‌ها کمر خم کنند.

■ آیا ادای وقوع قطعی در ایران ارسال نشانه‌های ضعف به دشمن نیست؟

اینکه وسط شرایط جنگی آقای پزشکیان از قطعی سخن

گفت‌اند نهایت ناپختگی و ناآرگبلدی مشاوران ایشان را

ممنوعیت صادرات انرژی از هر نقطه‌ای از غرب آسیا تبدیل کند. بنابراین جای هیچ نگرانی در مورد محاصره دریایی و تبعات آن وجود ندارد. چراکه ایران دست بالا را دارد.

■ آیا مذاکره با آمریکا درنهایتاً به پایان جنگ خواهد انجامید؟

با جنگ فرسایشی مخالفم اما این مدل مذاکراتی که ما با آمریکایی‌ها انجام داده‌ایم را بزرگ‌ترین خطای استراتژیک مقامات مسئول در دولت و مجلس می‌دانم. رک و راست بگویم که ما بدترین روش را برای پایان جنگ آزموده‌ایم. مذاکره با آمریکایی‌ها آن هم به واسطه قطر و پاکستان اشتباه بوده است. برای این ادعای خودم البته استدلال‌هایی دارم. اولاً مگر رهبری شهید ما را نپذی شدید از مذاکره با آمریکایی‌ها نکردند و تجربه تاریخی هم نشان نداد که پیش‌بینی‌های ایشان درست بوده و آمریکایی‌ها پیمان شکن هستند. ثانیاً در همه مواردی که جمهوری اسلامی ایران با آمریکا مذاکره کرده پیش قدم دولت‌ها بوده‌اند. یعنی مثلاً دولت روحانی یا پزشکیان آتقدر اصرار به مذاکره کردند که رهبری درنهایت برای حفظ انسجام کشور اجازه مشروط فرمودند. رهبری فعلی انقلاب نیز بنا بر مصالحی نظر دولت آقای پزشکیان را مبنی بر مذاکره مشروط پذیرفتند و گرنه علی‌الاصول نظر رهبری چیز دیگری بود. ثالثاً ما اگر اجازه‌ای هم برای مذاکره با آمریکایی‌ها از رهبر شهید داشتیم مربوط به پیش از شهادت ایشان و هدف از مذاکره نیز جلوگیری از وقوع جنگ بود. وقتی جنگ شده و رهبر عزیزتر از جان ما را شهید کرده‌اند دیگر مذاکره چه معنایی دارد. رابعاً نفس مذاکره در ذهن ملت مبعوث شده ما به معنای دادن فرصت به آمریکای شکست خورده است. از این رو مذاکره امری مذموم محسوب می‌شود. خامسا مذاکره به معنای اصالت دادن به آمریکای جنایتکار است که قاعدتاً اشتباه مهلک است. سادسا آمریکایی‌ها می‌خواستند به هر نحوی ما را وارد مسیر مذاکره کنند. و گرنه غیرممکن بود ۱۰ بند پیشنهادی ایران که کاملاً حداکثری نوشته شده بود را بپذیرند.

■ شما نافی مذاکره با آمریکا هستید. راهکار شما برای پایان جنگ میان ایران و آمریکا چیست؟

همان‌طور که گفتم من مخالف جنگ فرسایشی و در عین حال مذاکره هستم. اما معتقدم می‌توان جنگ و برخورد نظامی میان ایران و آمریکا را به بهترین شکل و به نفع ایران پایان داد. روش پیشنهادی من افزایش فشار طاقت‌فرسا به آمریکا در جهت متاثره جنگ از سوی این کشور است. یعنی باید کاری شبیه به جنگ ویتنام صورت دهیم که آمریکایی‌ها دشمن را روی گولشان بگذارند و بگیرزند.

اما با چه روشی باید این کار انجام شود. اولاً ما در منطقه باید از تنگه محوری و مدیریت صرف تنگه به سمت انرژی محوری برویم. یعنی باید اقدامات موثری انجام دهیم که نفت به آرامی بالای ۱۲۰ تا ۱۳۰ دلار در هر بشکه برسد. از ابتدا باید در این راستا هم‌زمان با تنگه هرمز تنگه باب‌المندب نیز مسدود می‌شد که البته هنوز هم دیر نشده است. در کنار این بحث انسداد تنگه‌ها، باید صادرات نفت عربستان از مبدأ بندر بنیج به هر نحو ممکن متوقف شود. در موارد دیگر نیز باید صادرکنندگان نفت بداندند که اگر ایران نفت نفروشد هیچ کس

نمی‌تواند نفت صادر کند. در نتیجه باید فوراً ۲۰ میلیون بشکه نفت را از بازار خارج کنیم. ثانیاً باید توجه شود که شرکت‌های آمریکایی سرمایه‌گذاری‌های جدی در کشورهای منطقه از جمله امارات و سعودی دارند. در نتیجه وقتی دست ما به آمریکا نمی‌رسد به دارایی‌های بوریسی این کشور در منطقه که می‌رسد. پس در کنار حذف اول که انرژی محوری بود باید سرمایه‌گذاری‌های مستقیم طرف‌های آمریکایی در منطقه مورد تهدید ایران قرار گیرد. ثالثاً کشورهای منطقه که مبدأ حمله به ایران هستند باید مورد تهدید واقع شوند. نمی‌دانم چرا ما فقط به هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکا جسدیده‌ایم و اینقدر در قبال کشورهای عربی نجابت به خرج می‌دهیم. ما اصولاً باید با صاحبخانه کار داشته باشیم. وقتی طرف آسمان و خاکش را برای هدف قرار دادن بیت رهبری به آمریکا داده ما هم باید کاخ‌های اوطبوی، ریاض و کویت را هدف بگیریم. دوران نجابت بیش از حد باید تمام شود. رابعاً ما نباید از قدرت افکار عمومی منطقه و جهان غافل شویم و باید آن‌ها را به جان سیاستمداران دشمن ایران ببندازیم که متأسفانه در این زمینه منفعل هستیم.

■ چگونه ایران خودرو را به کروز که پرونده مفتوحه تخلف ۳۰ هزار میلیارد تومانی دارد واگذار کرده‌اند

■ ادعای رئیس جمهور درباره وقوع قطعی در صورت تداوم پرداخت ارز ترجیحی منطبق بر واقعیت نیست

■ رئیس جمهور چرا وسط جنگ درباره قطعی صحبت می‌کند و پالس ضعف می‌فرستد

■ اگر فشار بالا به آمریکا وارد کنیم از منطقه فرار خواهد کرد

با جنگ فرسایشی مخالفم

اما این مدل مذاکراتی که ما با آمریکایی‌ها انجام

داده‌ایم را بزرگ‌ترین خطای

استراتژیک مقامات مسئول

در دولت و مجلس می‌دانم.

رک و راست بگویم که ما

بدترین روش را برای پایان

جنگ آزموده‌ایم. مذاکره

واسطه قطرو پاکستان

اشتباه بوده است

اقتصادهای خلیج فارس گذاشته است. عربستان سعودی و امارات متحده عربی به دلیل برخورداری از مسیرهای جایگزین برای صادرات نفت و خطوط لوله‌ای که تنگه هرمز را دور می‌زنند، توانسته‌اند بخشی از اختلالات را کاهش دهند؛ در حالی که قطر و کویت وابستگی بیشتری به این گذرگاه حیاتی برای صادرات انرژی دارند. با این حال، تمامی کشورهای منطقه از پیامدهای جنگ بر تجارت، گردشگری، بخش خدمات، مواد غذایی و سایر فعالیت‌های غیرنفتی متأثر شده‌اند.

بر اساس برآورد فاروق سوسسا، اقتصاددان خاورمیانه در گلدمن ساکس، قطر و کویت در مجموع هفته‌ای حدود ۱.۵ تا ۲ میلیارد دلار از درآمدهای صادرات انرژی خود را از دست می‌دهند. این رقم نشان می‌دهد که تداوم اختلال در صادرات انرژی می‌تواند حتی برای اقتصادهای دارای ذخایر عظیم مالی نیز هزینه‌های قابل توجهی ایجاد کند. بحران برای بحرین نیزشدیدتر است، براساس داده‌های صندوق بین‌المللی پول، نسبت بدهی عمومی ناخالص این کشور به تولید ناخالص داخلی به حدود ۱۵۰ درصد رسیده است. همچنین طبق گزارش کپیتال اکونومیکس، ذخایر خارجی بحرین در ماه ژوئن اندکی بیش از ۲ میلیارد دلار بوده که نسبت به حدود ۶ میلیارد دلار در ماه مارس کاهش یافته است. این شرایط احتمال نیاز منامه به حمایت مالی بیشتر از سوی عربستان سعودی یا امارات متحده عربی را افزایش داده است که در همین راستا، ابوظبی در ماه آوریل با بحرین بر سر یک مبادله ارز ۵.۴ میلیارد دلاری توافق کرده بود.

البته قطر در مقایسه با اقتصادهای آسیب‌پذیرتر منطقه، همچنان از منابع مالی قابل توجهی برخوردار است. این کشور با جمعیتی حدود ۲.۲ میلیون نفرو دارایی حدود ۵۰ میلیارد دلاری صندوق ثروت ملی خود، ظرفیت بیشتری برای جذب شوک‌های اقتصادی دارد. تجربه بحران شورای همکاری خلیج فارس و همه‌گیری کرونا نیز به دوحه امکان داده است از سازوکارهای مالی و ذخایر خود برای مدیریت بحران استفاده کند.

با این حال، تداوم جنگ می‌تواند معادلات اقتصادی قطر را در بلندمدت تغییر دهد، پیش از آغاز درگیری، سازمان سرمایه‌گذاری قطر به دلیل انتظار برای افزایش درآمدهای گازی، طی پنج سال گذشته تقریباً تعداد کارکنان خود را دو برابر کرده بود و انتظار داشت دارایی‌های تحت مدیریت آن در پنج سال آینده نیز دو برابر شود. اکنون کاهش درآمدهای LNG، محدود شدن هزینه‌های دولت و افزایش فشار بر منابع مالی، بخشی از این چشم‌انداز را با ابهام مواجه کرده است.

در مجموع، تجربه قطر نشان می‌دهد حتی اقتصادهای برخوردار از منابع عظیم انرژی و صندوق‌های ثروت ملی نیز در برابر اختلال طولانی مدت در مسیرهای صادرات انرژی مصون نیستند. کاهش ۳۰ درصدی بودجه دستگاه‌های دولتی، افت ۸۵ درصدی کمک‌های خارجی، پیش‌بینی کاهش ۸.۶ درصدی تولید ناخالص داخلی، زیان هنگفتی حاصل از صادرات LNG ۲ تا۱.۵ میلیارد دلاری درآمدهای انرژی و کاهش ۱۷ درصدی ظرفیت صادرات LNG قطر، مجموعه‌ای از شاخص‌هاست که ابعاد فشار اقتصادی ناشی از تداوم جنگ و اختلال در تنگه هرمز را نشان می‌دهد.

در صورت ادامه بحران، حفظ نقدینگی و استفاده‌از ذخایر مالی می‌تواند در کوتاه‌مدت از اقتصاد قطر-حمایت کند اما طولانی شدن فشار بیشتر بر بودجه دولت، اختلال در صادرات گاز، احتمالاً فشار بیشتری بر بودجه دولت، سرمایه‌گذاری‌های خارجی و برنامه‌های توسعه‌ای این کشور وارد خواهد کرد.



کاهش ۳۰ درصدی بودجه دستگاه‌های دولتی در قطر؛

اقتصاد دوحه کوچک شد

گزارش

تداوم جنگ و اختلال در تردد انرژی از تنگه هرمز، اقتصاد قطر را تحت فشار قرار داده و کاهش شدید درآمدهای گازی، دولت این کشور را به کاهش هزینه‌ها واداشته؛ به طوری که بودجه دستگاه‌های دولتی تا ۳۰ درصد و بودجه کمک‌های خارجی حدود ۸۵ درصد کاهش یافته و صندوق بین‌المللی پول نیز از احتمال افت ۸.۶ درصدی تولید ناخالص داخلی قطر در سال جاری خبر داده است.

ادامه جنگ در خاورمیانه و اختلال در تردد انرژی از تنگه هرمز، فشار کم‌سابقه‌ای بر اقتصاد قطر وارد کرده و این کشور ثروتمند حاشیه خلیج فارس را به کاهش قابل توجه هزینه‌های دولتی در داخل و خارج از کشور واداشته است. دولت قطر بودجه دستگاه‌های دولتی را تا ۳۰ درصد و بودجه کمک‌های خارجی خود را حدود ۸۵ درصد کاهش داده؛ اقدامی که بازتابی از کاهش شدید درآمدهای گازی و افزایش هزینه‌های ناشی از جنگ است.

قطر که بخش مهمی از درآمدهای صادراتی خود را از گاز طبیعی مایع (LNG) به دست می‌آورد، به دلیل آسیب‌های وارده شده به زیرساخت‌های انرژی و دشواری انتقال محموله‌ها از تنگه هرمز، ناچار به توقف بخشی از تولید LNG شده است. طبق برآورد صندوق بین‌المللی پول، تولید ناخالص داخلی قطر در سال جاری میلادی ۸.۶ درصد کاهش خواهد یافت؛ رقمی که بزرگ‌ترین افت اقتصادی در میان شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس محسوب می‌شود.

شدت فشار بر درآمدهای دولت به حدی رسیده که برخی کاهش بودجه دستگاه‌های دولتی را بخشی از واکنش دوحه

به افت شدید درآمدهای LNG عنوان کرده‌اند. بودجه کل قطر برای سال ۲۰۲۶ حدود ۶۱ میلیارد دلار برآورد شده و مقام‌های این کشور در صورت تداوم بحران تا سه‌ماهه پایانی سال، احتمال کاهش بیشتر هزینه‌های دولت در سال آینده را نیز بررسی می‌کنند. طارق یوسف، عضو ارشد شورای امور جهانی خاورمیانه، معتقد است قطر تاکنون با استفاده از ذخایر مالی انباشته خود توانسته نقدینگی اقتصاد را حفظ کند اما ادامه این روند می‌تواند شکاف قابل توجهی در بودجه ایجاد کند. قطر در شرایط کنونی از پشتوانه مالی قابل توجهی برخوردار است و سازمان سرمایه‌گذاری قطر (QIA) حدود ۵۰۰ میلیارد دلار دارایی در اختیار دارد؛ موضوعی که به دوحه امکان می‌دهد بخشی از شوک اقتصادی ناشی از جنگ را از طریق ذخایر و دارایی‌های خود مدیریت کند.

با این حال، کاهش درآمدهای انرژی فقط محدود به بودجه داخلی قطر نیست و سیاست خارجی و کمک‌های بشردوستانه این کشور را نیز تحت تأثیر قرار داده است. قطر سال گذشته حدود ۱.۵ میلیارد دلار به دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد کمک کرده بود و در میان پنج اهداکننده بزرگ این نهاد قرار داشت. کاهش حدود ۸۵ درصدی بودجه کمک‌های خارجی می‌تواند از این منظر نشانه تغییر قابل توجه در اولویت‌های مالی دوحه در پی تشدید فشارهای اقتصادی باشد.

آسیب‌های جنگ به زیرساخت‌های گازی قطر نیز ابعاد قابل توجهی دارد. فقط چهار روز پس از آغاز درگیری آمریکا و اسرائیل با ایران در ماه فوریه، تاسیسات راس لفان، بزرگ‌ترین مجموعه صادرات LNG جهان، هدف حملات پهپادی و موشکی قرار گرفت. حمله موشکی دیگری در ماه مارس به این تاسیسات، ظرفیت صادرات LNG قطر را حدود ۱۷

درصد کاهش داد و بنابر برآوردها تعمیر خسارات ایجادشده ممکن است تا پنج سال زمان ببرد. قطر پیش از آغاز جنگ خود را برای افزایش قابل توجه تولید گاز آماده می‌کرد. این کشور برای توسعه میدان گازی شمالی، بزرگ‌ترین میدان گاز جهان، حدود ۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در نظر گرفته بود؛ طرحی که قرار بود ظرفیت تولید LNG قطر را تا سال ۲۰۲۷ به ۱۲۶ میلیون تن در سال برساند که این میزان معادل حدود ۳۰ درصد تقاضای جهانی LNG در سال ۲۰۲۴ است. دوحه همچنان برنامه توسعه ظرفیت تولید را دنبال می‌کند تا در صورت پایان جنگ و عادی شدن شرایط، امکان افزایش صادرات LNG را داشته باشد. در کنار فشار بر درآمدهای گازی، سرمایه‌گذاری‌های قطر در خارج از کشور نیز بخشی از راهبرد مقابله با بحران محسوب می‌شود، سرمایه‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری این کشور در میدان گلدن پس در آمریکا با مشارکت اکسون‌موبیل، از جمله پروژه‌هایی است که بخشی از زیان ناشی از اختلال در تولید داخلی LNG را جبران می‌کند، این پروژه در ماه آوریل نخستین محموله LNG خود را صادر کرد.

اثر جنگ بر پیکره اقتصاد کشورهای خلیج فارس

همچنین جنگ آثار متفاوتی بر سایر

اخبار ۳



طرح جدید برای جبران ناترازی بنزین

عضو کمیسیون اقتصادی در نامه‌ای به پزشکیان، طرح اختلاط متانول و بنزین برای جبران ناترازی سوخت را پیشنهاد کرد.

حسین صمصامی، نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس شورای اسلامی، در نامه‌ای به مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، پیشنهاد «بیشینه‌سازی تولید از طریق به‌کارگیری واحدهای تولید متانول در کشور در طرح اختلاط متانول و افزودنی‌های تثبیت‌کننده» را ارائه کرد.

در این نامه با اشاره به تشدید ناترازی بنزین، تأکید شده است که طرح پیشنهادی با هدف عبور از شرایط بحرانی و جلوگیری از تحمیل قیمت‌های سنگین بنزین به مردم ارائه شده است.

بر اساس این پیشنهاد، متوسط مصرف روزانه بنزین کشور به حدود ۱۳۵ میلیون لیتر و در برخی مقاطع به ۱۶۰ میلیون لیتر رسیده، در حالی که ظرفیت پایدار تولید پالایشگاهی حدود ۱۱۳ میلیون لیتر در روز عنوان شده است؛ بنابراین شکافی حدود ۲۳ میلیون لیتر در روز میان مصرف و تولید ایجاد شده است.

در این نامه آمده است که در سال گذشته حدود ۲,۸ میلیارد دلار برای واردات بنزین، ماده افزاینده MTBE و مقادیری گازوئیل هزینه شده و تداوم این روند علاوه بر مصرف منابع ارزی، امنیت انرژی کشور را با تهدید مواجه می‌کند.

صمصامی در بخش دیگری از پیشنهاد خود، ظرفیت تولید متانول کشور را یکی از مزیت‌های قابل استفاده برای مدیریت کوتاه‌مدت ناترازی سوخت دانسته و اعلام کرده است که ایران در حال حاضر حدود ۱۶ میلیون تن ظرفیت اسمی تولید متانول دارد که این ظرفیت در مسیر توسعه می‌تواند به بیش از ۲۳ میلیون تن افزایش یابد. بر اساس این طرح، اختصاص حدود ۵ تا ۳ میلیون تن از تولید متانول به چرخه سوخت می‌تواند زمینه تأمین روزانه حدود ۱۷ تا ۱۷ میلیون لیتر بنزین ترکیبی را فراهم کند؛ البته در نامه تأکید شده که این ظرفیت باید به عنوان «پتانسیل قابل بهره‌برداری مشروط» در نظر گرفته شود و محدودیت‌های فنی، افت ارزش حرارتی، الزامات افزودنی و زیرساخت‌های لازم مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهاد استفاده از بنزین M۱۰ و M۱۵

در این طرح دو سناریوی فنی شامل بنزین M۱۰ و M۱۵ پیشنهاد شده است. در سناریوی M۱۰، بنزین حاوی ۱۰ درصد متانول به عنوان گزینه‌ای محتاطانه‌تر و سریع‌الاجرا با سازگاری بیشتر با ناوگان موجود مطرح شده و M۱۵ نیز به عنوان گزینه‌ای تهاجمی‌تر برای حداکثرسازی صرفه‌جویی ارزی مورد توجه قرار گرفته است.

در نامه با اشاره به تجربه کشورهای مختلف، به‌ویژه چین، تأکید شده است که چالش‌های فنی استفاده از متانول از جمله نقطه جوش پایین، تأثیر بر فشار بخار رید و احتمال دوفازی شدن در حضور رطوبت، با تنظیم ترکیب بنزین پایه و استفاده از افزودنی‌های باززدنده خوردگی و حلال‌های واسط قابل مدیریت است.

اجرای طرح در انبارهای کلان شهرها

در بخش اجرایی پیشنهاد، انعقاد قراردادهای بلندمدت برای خرید متانول گردید مناسب از پتروشیمی‌های داخلی و انتقال آن به مخازن استراتژیک شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی در کلان‌شهرهای دیگر ناترازی از جمله تهران، اصفهان، مشهد و تبریز پیشنهاد شده است.

همچنین احداث و به‌کارگیری ایستگاه‌های «بلندینگ برخط» مجهز به فلوومترهای دقیق برای تزریق و اختلاط متانول و بنزین با نسبت مشخص حجمی پیش از بارگیری در تانکرهای توزیع‌کننده، از دیگر اجزای این طرح است.

بر اساس پیشنهاد ارائه‌شده، کنترل کیفیت، جلوگیری از ورود آب، نمونه‌گیری مستمر، کنترل فشار بخار و پایداری فاز و رعایت الزامات ایمنی مرتبط با سمیت و مخاطرات حریق متانول باید در اجرای طرح مورد توجه قرار گیرد.

آزمون ۲۰ خودرو تا پیمایش ۲۰ هزار کیلومتر

صمصامی همچنین پیشنهاد کرده است پیش از هرگونه اجرای گسترده، طرح در یک فرآیند آزمایشی پنج‌هفته‌ای مورد ارزیابی قرار گیرد.

در این چارچوب، ابتدا فرمولاسیون و آزمون‌های آزمایشگاهی انجام شده و پس از انتخاب خودروهای آزمون، تست میدانی روی ۲۰ خودرو آغاز شود. این خودروها باید تا سقف ۲۰ هزار کیلومتر پیمایش کنند و در هر ۵ هزار کیلومتر، معاینه فنی، بازدید موتور، پایش آلایندگی، کنترل خطاها و ارزیابی عملکرد روی آنها انجام شود. پس از تحلیل نتایج آزمایشگاهی و میدانی و انجام اصلاحات احتمالی در سیستم سوخت‌رسانی یا ترکیب سوخت، اجرای پایلوت شهری یا منطقه‌ای در یکی از شهرهای منتخب پیشنهاد شده است. در این نامه تأکید شده است که توسعه سراسری طرح منوط به تأیید نتایج آزمون‌های فنی و زیست‌محیطی و ارزیابی پایلوت شهری خواهد بود.

پیشنهاد تشکیل کارگروه مشترک

در نهایت، پیشنهاد شده است کارگروهی متشکل از وزارت نفت، وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان ملی استاندارد و سازمان حفاظت محیط زیست، با محوریت شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی، مأمور اجرای این طرح شود.

این کارگروه باید در گام نخست فرمولاسیون و آزمون‌های آزمایشگاهی M۱۰ و M۱۵ را نهایی کند، سپس آزمون میدانی مرحله‌ای روی ناوگان منتخب را با پیمایش تا ۲۰ هزار کیلومتر و پایش‌های دوره‌ای انجام دهد و در صورت احراز توفیق فنی، زیست‌محیطی و اجرایی، اجرای پایلوت شهری یا منطقه‌ای بلندینگ برخط را برای تصمیم‌گیری نهایی پیشنهاد کند.

در جمع‌بندی نامه نیز اختلاط متانول با بنزین به عنوان یک راهکار اضطراری برای مدیریت کوتاه‌مدت و میان‌مدت ناترازی سوخت مطرح شده که می‌تواند ضمن کاهش نیاز به واردات فرآورده، بخشی از متانول تولید داخل را به ارزش افزوده سوختی تبدیل کند.

ایران فقط با حجم تولید نفت سنجنش نمی‌شود؛ ذخایر عظیم، هرمز و زیرساخت صادراتی، وزن ژئوپولیتیک تهران را تعیین می‌کند. وزیر نفتپولیتیک تهران را تعیین می‌کند. نفت جمهوری اسلامی ایران در معادلات انرژی جهان گفت: قدرت نفتی ایران را نمی‌توان با حجم تولید روزانه یا میزان صادرات در یک مقطع زمانی سنجید، جایگاه ایران در جغرافیای انرژی جهان حاصل ترکیب ذخایر عظیم هیدروکربوری، سابقه طولانی تولید، ظرفیت توسعه میدانی، دسترسی به آب‌های خلیج فارس و مجاورت با تنگه هرمز است؛ آبراهی که پیش از اختلالات سال ۲۰۲۶، یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی جهان بود. وی افزود: بر اساس داده‌های اوپک، ایران در پایان سال ۲۰۲۴ حدود ۲۰۸/۶ میلیارد بشکه ذخایر اثبات‌شده نفت خام در اختیار داشته است. تولید نفت خام ایران نیز در سال ۲۰۲۴ حدود ۳,۲۴ میلیون بشکه در روز بوده است که بر جایگاه ویژه ایران انظر برخورداری از منابع نفتی، صحه می‌گذارد.

این کارشناس اقتصادی تصریح کرد: برای ارزیابی قدرت نفتی جمهوری اسلامی باید بین ذخایر اثبات‌شده نفت، ظرفیت تولید، صادرات بالفعل و ظرفیت اثرگذاری بر بازار تفاوت قائل شد. ذخایر بزرگ به خودی خود قدرت بازار ایجاد نمی‌کند و ظرفیت تولید، امکان انتقال و توان دسترسی به بازار نیز اهمیت‌شایانی دارد. اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) برآورد کرده است که ظرفیت تولید نفت خام ایران در صورت رفع محدودیت‌های تحریمی می‌تواند به حدود ۳,۸ میلیون بشکه در روز بازگردد. وی ادامه داد: داده‌های EIA همچنین تصریح می‌کند که صادرات نفت خام و میعانات ایران که در سال ۲۰۲۰ حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز بود، در سال ۲۰۲۳ به نزدیک ۱,۴ میلیون بشکه در روز رسید و در هشت

قدرت نفتی ایران در تنگه هرمز چگونه معنا پیدا می‌کند؟

اهمیت است چراکه هر مقدار تولید از دست‌رفته در این میدانی می‌تواند به کاهش سهم اقتصادی کشور از یک منبع مشترک منجر شود.

این کارشناس اقتصاد انرژی گفت: نفت ایران از همان زاویه هم یک ابزار ژئوپولیتیک است، اما قدرت آن به حجم ذخایر محدود نمی‌شود. ترکیب ۲۰۸/۶ میلیارد بشکه ذخایر اثبات‌شده، تولید حدود ۳,۲۴ میلیون بشکه نفت خام در روز در سال ۲۰۲۴، ظرفیت بالقوه ۳,۸ میلیون بشکه در روز، صادرات حدود ۱,۵ میلیون بشکه در روز در هشت ماه نخست ۲۰۲۴ و موقعیت جغرافیایی در مجاورت هرمز، مجموعه‌ای از ظرفیت‌های قدرت‌آفرین را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار داده است. وی اضافه کرد: سیاست نفتی کشور باید بر تبدیل ذخیره نفت به قدرت پایدار نفتی متمرکز باشد بدان معنا که هر بشکه نفت تولید‌شده بخشی از سیاست افزایش ظرفیت تولید، تنوع بازار، تقویت زیرساخت صادرات، توسعه پالایش و ایجاد درآمد ارزی بایدار باشد. توجه دولت و وزارت نفت در سال ۱۴۰۵ به استمرار تولید، باسراسر تاسیسات، توسعه ظرفیت تولید و پیگیری میدانی مشترک در این مسیر قابل‌تقدیر است. آنچه در صنعت نفت ایران اهمیت دارد، صیانت از یکی از مهم‌ترین پایه‌های قدرت اقتصادی و ژئوپلیتیک کشور است. وی خاطرنشان کرد: هرگاه نفت ایران از منبع درآمد به شبکه درآمدز تولید، سرمایه‌گذاری، صادرات، پالایش، ذخیره‌سازی و دیپلماسی انرژی تبدیل شود، جایگاه کشور در معادلات جهانی نیز مستحکم‌تر خواهد شد، هرمز در این معادله گرهی است که نفت ایران، امنیت انرژی آسیا و اقتصاد جهانی را به یکدیگر متصل می‌کند، همین پیوند است که به نفت ایران ارزش ژئوپولیتیکی می‌دهد و صیانت از ظرفیت نفتی کشور را به یک اولویت اقتصادی و ملی تبدیل می‌کند.



بشکه به ۸۰ میلیون بشکه را نیز گزارش کرده است. این کارشناس اقتصادی افزود: امنیت انرژی (Energy Security) در معادلات مذکور اهمیت ویژه‌ای دارد. کشور که منابع نفتی در اختیار دارد، اما مسیر انتقال، ظرفیت صادرات یا بازارهای متنوع ندارد، نمی‌تواند از تمام ظرفیت اقتصادی منابع خود استفاده کند، ایران از این نظر موقعیتی متفاوت دارد؛ ذخایر عظیم نفت، تولید قابل‌توجه، بازارهای آسیایی، دسترسی به خلیج فارس و توسعه مسیرهای صادراتی جایگزین، مجموعه‌ای از ظرفیت‌های مرتبط را تشکیل می‌دهند.

وی تأکید کرد: توسعه میدانی مشترک نیز باید بخشی از سیاست قدرت نفتی ایران باشد. افزایش برداشت از میدان‌های مشترک، توسعه زیرساخت فرآورش و جمع‌آوری گازهای همراه، هم به افزایش تولید کمک می‌کند و هم از اتلاف منابع جلوگیری خواهد کرد. صیانت از سهم ایران در میدانی مشترک حائز

محدوده هرمز، افزایش ظرفیت ذخیره‌سازی، تنوع مشتریان و تقویت زیرساخت‌های انتقال انرژی، اهمیت راهبردی دارد. وی با اشاره به پروژه جاسک گفت: کشور برای کاهش آسیب‌پذیری صادرات نفت در برابر محدودیت‌های مسیر هرمز، زیرساخت صادراتی جاسک و خط لوله گوره-جاسک را توسعه داده است که ظرفیت اسمی این خط حدود یک میلیون بشکه در روز برآورد می‌شود، همچنین ظرفیت پایانه‌های بارگیری نفت ایران بیش از ۸ میلیون بشکه در روز برآورد شده که بیانگر وجود ظرفیت زیرساختی قابل‌توجه در صنعت نفت کشور است. وی درباره وابستگی صادرات ایران به چین گفت: بازار چین برای نفت ایران اهمیت بسیار بالایی دارد، اما تنوع مشتریان می‌تواند ریسک تمرکز بازار را کاهش دهد. بر اساس گزارش رویترز در ۲۱ اوت ۲۰۲۶، صادرات نفت ایران به خریداران چینی در همان ماه به حدود ۵۴۴ هزار بشکه در روز رسیده و کاهش ذخایر نفتی روی آب از حدود ۱۰۵ میلیون



۷۰ درصد اصناف مالیات ندادند

درآمد های مالیاتی در چهارماهه نخست ۱۴۰۵ با رشد ۴۶ درصدی به ۵۷۷ هزار میلیارد تومان رسید. در آخرین آمار منتشرشده از عملکرد مالیاتی مشاغل نیز مالیات ۹.۳ میلیون مؤدی، معادل بیش از ۷۰ درصد اصناف و مشاغل، صفر تعیین شده و مالیات ۹۵ درصد آنها کمتر از ۳۰ میلیون تومان بوده است. همچنین حدود نیمی از مالیات اصناف را یک درصد پردرآمد این گروه پرداخت کرده‌اند. این ارقام نشان می‌دهد جهت گیری نظام مالیاتی به سمت کاهش فشار بر کسب‌وکارهای کوچک و تمرکز بر مؤدیان بزرگ‌تر حرکت کرده است؛ هرچند هنوز سهم دقیق شناسایی مؤدیان و درآمد های جدید از رشد ۱۸۱ هزار میلیارد تومانی امسال مشخص نیست. رشد درآمد های مالیاتی زمانی مطلوب‌تر است که از شناسایی فعالیت های پنهان، کاهش فرار و افزایش سهم مؤدیان پردرآمد حاصل شود. این مسیر امکان تأمین منابع دولت را فراهم می‌کند، بدون آنکه بخش بزرگی از فشار مالیاتی بر کسب‌وکارهای کوچک و مؤدیان شفاف متمرکز شود. سازمان امور مالیاتی اعلام کرده در چهارماهه نخست ۱۴۰۵، هم‌زمان با کاهش رسیدگی های انسانی و حرکت به سمت محاسبات سیستمی، درآمد های مالیاتی با ۳۹۶ به ۵۷۷ هزار میلیارد تومان رسیده است. این سازمان افزایش درآمد ها را با استفاده از داده‌های سامانه مؤدیان، پایگاه اطلاعاتی ماده ۱۶۹ مکرر و شناسایی دقیق‌تر فعالیت های اقتصادی مرتبط می‌داند.

کسب‌وکارهای کوچک چه سهمی از مالیات دارند؟

آخرین آمار منتشرشده درباره مالیات عملکرد سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد مالیات بیش از ۹.۳ میلیون نفر از صاحبان مشاغل و اصناف، معادل بیش از ۷۰ درصد این گروه، صفر تعیین‌شده است. مالیات حدود ۹۵ درصد اصناف کمتر کمتراز ۳۰ میلیون تومان بوده و نزدیک به نیمی از مالیات این بخش از یک درصد مؤدیان پردرآمد وصول شده است. این توزیع نشان می‌دهد افزایش درآمد های مالیاتی لزوماً به معنای افزایش فشار یکسان بر همه اصناف نیست. بخش بزرگی از مشاغل خرد مالیاتی نمی‌پردازند یا مبلغ پرداختی آنها محدود است و سهم اصلی درآمد از فعالان بزرگ‌تر و پردرآمد تأمین می‌شود. تعیین سیستمی مالیات نیز می‌تواند هزینه انجام تکلیف را برای کسب‌وکارهای کوچک کاهش دهد. مؤدیان مشمول تبصره ماده ۱۰۰ بدون ارائه دفاتر و اسناد تفصیلی، مالیات مقطوع خود را مشاهده و پرداخت می‌کنند. این شیوه در صورت استفاده از داده‌های دقیق، امکان تمرکز نیروی انسانی بر پرونده‌های بزرگ و پریسک را افزایش می‌دهد.

نشانه‌های گسترش پوشش مالیاتی

شناسایی مفایرت در فعالیت پزشکان، طلافروشان، میوه‌فروشان و کارتخوان‌های غیرتجاری نشان می‌دهد سازمان امور مالیاتی به ابزارهایی برای کشف فعالیت‌های ثبت‌نشده یا اطلاعات نادرست دست یافته است. این اقدامات می‌تواند رشد درآمد را به سمت مؤدیان و درآمد هایی هدایت کند که پیش‌تر به‌طور کامل در نظام مالیاتی دیده نمی‌شدند. با این حال، آمار چهارماهه امسال رقم جداگانه‌ای از مالیات حاصل از مؤدیان جدید، اصلاح مفایرت‌ها یا مقابله با فرار مالیاتی ارائه نمی‌کند. بنابراین نمی‌توان سهم دقیق گسترش پایه‌ها را از افزایش ۱۸۱ هزار میلیارد تومانی محاسبه کرد. مجموع ارقام موجود تصویری نسبتاً مثبت ارائه می‌دهد. مالیات بخش بزرگی از مشاغل خرد صفر یا محدود است، سهم پردرآمدها از مالیات اصناف افزایش یافته و رسیدگی های داده‌محور امکان شناسایی فعالیت‌های پنهان را بیشتر کرده است. ادامه این روند می‌تواند رشد درآمد های مالیاتی را با توزیع عادلانه‌تر بار مالیات همراه کند؛ به‌ویژه اگر افزایش وصول در سال‌های آینده بیشتر بر مؤدیان پردرآمد، فعالیت‌های ثبت‌نشده و فرارهای مالیاتی متمرکز شود.

شاخص قیمت کل تولیدکننده فصل بهار اعلام شد

در فصل بهار ۱۴۰۵، درصد تغییرات شاخص قیمت کل تولیدکننده در چهار فصل منتهی به فصل بهار ۱۴۰۵ نسبت به مدت مشابه در سال قبل ۶۶٫۷ درصد می‌باشد که در مقایسه با همین اطلاع در فصل قبل (۵۱٫۲ درصد)، ۱۵٫۵ واحد درصد افزایش داشته است. در فصل بهار ۱۴۰۵، شاخص قیمت کل تولیدکننده (۱۶۱) می‌باشد که نسبت به فصل قبل (تورم فصلی) ۲۸٫۳ درصد، نسبت به فصل مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) ۹۸٫۹ درصد و در چهار فصل منتهی به فصل جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل (تورم سالانه) ۶۶٫۷ درصد افزایش داشته است.

افزایش تورم فصلی

در فصل بهار ۱۴۰۵، درصد تغییرات شاخص قیمت کل تولیدکننده نسبت به فصل قبل (تورم فصلی) ۲۸٫۳ درصد می‌باشد که در مقایسه با همین اطلاع در فصل قبل (۲۴٫۸ درصد)، ۳٫۵ واحد درصد افزایش داشته است. به عبارتی، میانگین قیمت دریافتی توسط تولیدکنندگان به ازای تولید محصولاتشان در داخل کشور، در فصل بهار ۱۴۰۵ نسبت به فصل مشابه سال قبل، ۹۸٫۹ درصد افزایش دارد. در این فصل بیش‌ترین تورم فصلی با ۶۵٫۷ درصد مربوط به بخش "تولید، انتقال و توزیع برقی" و کمترین تورم فصلی با ۱۶٫۹ درصد مربوط به بخش "خدمات" می‌باشد.

افزایش تورم نقطه به نقطه

در فصل بهار ۱۴۰۵، درصد تغییرات شاخص قیمت کل تولیدکننده نسبت به فصل مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) ۹۸٫۹ درصد می‌باشد که در مقایسه با همین اطلاع در فصل قبل (۶۵٫۰ درصد)، ۳۳٫۸ واحد درصد افزایش داشته است. به عبارتی، میانگین قیمت دریافتی توسط تولیدکنندگان به ازای تولید محصولاتشان در داخل کشور، در این فصل بیش‌ترین تورم نقطه به نقطه با ۱۴۴٫۳ درصد مربوط به بخش "کشاورزی" و کمترین تورم نقطه به نقطه ۵۸٫۰ درصد مربوط به بخش "خدمات" می‌باشد.

افزایش تورم سالانه

در فصل بهار ۱۴۰۵، درصد تغییرات شاخص قیمت کل تولیدکننده در چهار فصل منتهی به فصل بهار ۱۴۰۵ نسبت به مدت مشابه در سال قبل ۶۶٫۷ درصد می‌باشد که در مقایسه با همین اطلاع در فصل قبل (۵۱٫۲ درصد)، ۱۵٫۵ واحد درصد افزایش داشته است. به عبارتی، میانگین قیمت دریافتی توسط تولیدکنندگان به ازای تولید محصولاتشان در داخل کشور، در چهار فصل منتهی به فصل بهار ۱۴۰۵ نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۶۶٫۷ درصد افزایش دارد. در این فصل در بین بخش‌های بیش‌ترین تورم سالانه با ۸۶٫۹ درصد مربوط به بخش "کشاورزی" و کمترین تورم سالانه با ۴۹٫۳ درصد مربوط به بخش "خدمات" می‌باشد.

تحلیل‌های منتشرشده در رسانه‌های معتبر غربی حاکی است تشدید تنش‌های اقتصادی میان تهران و واشنگتن و ادامه سیاست فشار حداکثری، نه فقط به اهداف کاخ سفید نزدیک نشده، بلکه اکنون به یک بحران روبه‌رشد برای اقتصاد داخلی آمریکا و معیشت شهروندان این کشور تبدیل شده است.

اغلب رسانه‌های غربی حالا معتقدند که مواجهه چندماهه و پیچیده آمریکا و ایران، پس از پایان مهلت شصت‌روزه آتش‌بس تابستانی، بدون دستوراد دیپلماتیک مشخص، وارد مرحله جدیدی از «رگوداره‌بری» شده است. طرفین نه به سمت مذاکره جدی حرکت کرده‌اند و نه حاضر به پذیرش هزینه‌های یک درگیری نظامی تمام‌عیار هستند. در این میان، تهران با بهره‌گیری از اهرم کنترل تنگه هرمز و افزایش توان چانه‌زنی خود، بر موضوع خود پافشاری کرده است. در مقابل، تیم اقتصادی و سیاسی دولت ترامپ با شعار «رو فرود اقتصادی» و با هدف فلج کردن کامل اقتصاد ایران، سعی در تشدید حلقه محاصره دارد. بر اساس گزارش مجله تالم، اسکاوت بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا اعلام کرده که ترکیبی از محاصره دریایی مستقیم و «سخت‌ترین تحریم‌های اقتصادی در تاریخ» برای وادار کردن تهران به فروپاشی به کار گرفته شده است. همچنین تهدیدهایی علیه برخی از شرکای تجاری ایران از جمله سلطان نشین عمان و اشاره به فشار بر چین به عنوان بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران، نشان از ابعاد گسترده این کارزار دارد؛ هرچند جزئیات آن پیش از سفر رئیس‌جمهور مصرکننده دانشگاه میشیگان را در یک ماه پیش از چین به واشنگتن مبهم باقی مانده است.

ضربه اقتصادی بریکر خانواده‌های آمریکایی

با این حال، آنچه در گزارش‌های تحلیلی رسانه‌های غربی از جمله نشریه نیوزویک جلب توجه می‌کند، «بازگشت خمپاره به سنگر خودی» است. به عبارت دقیق‌تر، سیاست‌های خصمانه واشنگتن علیه تهران، اکنون با افزایش چشمگیر هزینه‌های زندگی، به یک چالش جدی برای دولت آمریکا و به‌ویژه پایگاه رأی ترامپ تبدیل شده است. براساس داده‌های منتشرشده، نرخ تورم مصرف‌کننده در آمریکا به ۳٫۵ درصد رسیده که بخش عمده‌ای از آن ناشی از افزایش ۲۴٫۷ درصدی قیمت بنزین و ۱۵٫۷ درصدی هزینه‌های انرژی است. این امواج گرانی، شاخص اعتماد مصرف‌کننده دانشگاه میشیگان را در یک ماه پیش از ۷ درصد کاهش داده و بیشترین آسیب را به گروه‌های کم‌درآمد، سالمندان و افرادی با تحصیلات پایین‌تر که بخش عمده‌ای از رأی دهندگان وفادار به ترامپ را تشکیل می‌دهند، وارد کرده است.

تحلیل مرکز پیشرفت آمریکا نشان می‌دهد که جنگ اقتصادی با ایران، نیم درصد به نرخ بهره بلندمدت افزوده و درنتیجه ۴۰۶ میلیارد دلار هزینه اضافی بروام‌های مصرفی، ۱۲۰۷ میلیارد دلار بر بدهی شرکت‌ها و حدود ۳۰۰۰ میلیارد دلار نیز بر هزینه‌های دولت فدرال تحمیل کرده است.



بهینه‌سازی مصرف انرژی ضروری‌ترین اقدام برای کنترل ناترازی

گزارش

کوتاه‌باقی مانده تا فصل سرد، به تنهایی پاسخگوی شکاف عرضه و تقاضا باشد. درنتیجه پرسش اصلی آن است که وقتی نمی‌توان در چند ماه صدها میلیون مترمکعب به تولید اضافه کرد، چرا بخشی از این گاز از دل هدر رفت مصرف، به خصوص تجهیزات فرسوده پس گرفته نشود؟

لرزه‌پرمصرف‌ها نرومند نیستند

سال‌هاین تصور ساده وجود داشته که خانوارهای پردرآمد، به دلیل خانه‌های بزرگ‌تر، استخر، ویلا وامکانات رفاهی بیشتر، اصلی‌ترین مصرف‌کنندگان گاز هستند و با افزایش قیمت برای پرمصرف‌ها می‌توان بخش مهمی از ناترازی را کنترل کرد. اما پژوهش‌ها، تصویر ساده‌تری را که سال‌ها تکرار شده است، به چالش می‌کشد. بررسی‌های انجام‌شده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد تفاوت مصرف گاز میان دهک‌های مختلف درآمدی آن قدر زیاد نیست که ناترازی صرفاً به خانوارهای مرفه تقلیل داده شود. حتی خانوارهای کم‌درآمد با پایین به ازای هر مترمربع زیربنای خانه، با بیشتری نسبت به دهک‌های برخوردار مصرف می‌کنند. دلیل این وضعیت را باید در عایق‌بندی ساختمان و تجهیزات فرسوده جست‌وجو کرد. خانه‌های فرسوده، پنجره‌های غیراستاندارد، نبود عایق حرارتی، موتورخانه‌های قدیمی و بخاری‌های کم بازده باعث می‌شوند خانواری که توان مالی کمتری دارد، برسدی نه به همان

سطح آسایش، انرژی بیشتری مصرف کند. درنتیجه لازم به ذکر است در چنین شرایطی، افزایش ناگهانی قیمت به عنوانی سیاستی در جهت کاهش مصرف، الزاماً به کاهش منجر نمی‌شود. ممکن است فقط قبض را سنگین‌تر کند. به همین دلیل، اصلاح قیمت انرژی اگرچه در بلندمدت اجتناب‌ناپذیر است، باید تدریجی و همراه با ایجاد امکان واقعی برای کاهش مصرف باشد. جریمه کردن مصرف‌کننده‌ای که ابزار و توان مالی لازم برای بهینه‌سازی ندارد، عملاً سیاست را از هدف اصلی خود دور می‌کند.

قبل از آزادسازی قیمت گاز، با تعویض تجهیزات، هدررفت را از ران تر مهار کنید

اینجاست که طرح «گازورگاز» اهمیت پیدا می‌کند. این طرح قرار نیست صرفاً مردم را به کمتر مصرف کردن توصیه کرد، بلکه منطق آن بر اصلاح ساختاری مصرف استوار است. شرکت گازور، تجهیزات پرمصرف را شناسایی بازتاب این وضعیت در نظرسنجی‌ها نیز آشکار است؛ به طوری که بر اساس نظرسنجی دانشگاه مارکت، دموکرات‌ها در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره با پیششاز ۵۱ به ۴۵ درصد نسبت به رقیب جمهوری خواه، از نارضایتی عمومی نسبت به مدیریت اقتصادی دولت بهره‌برداری می‌کنند. ۳۵ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی، تورم و هزینه‌های زندگی را مهم‌ترین دغدغه مصرف‌عرفی کرده‌اند.

کشاورزان آمریکایی در محاصره گرانی سوخت

در گوشه‌ای دیگر از این میدان، بخش کشاورزی آمریکا به عنوان یکی از قربانیان اصلی این تنش‌ها شناخته‌شده است. گزارش وب‌سایت آکسیوس حاکی از آن است که با نزدیک شدن به فصل برداشت ذرت و سویا در سپتامبر آینده، افزایش سرسام‌آور قیمت دیزل و کودهای شیمیایی، برنامه‌های مالی کشاورزان را با بحران روبه‌رو کرده است. بر اساس این گزارش، جید باوور، رئیس جمعیت مزارع داران ذرت ملی در ایالت اوهایو که خود ۱۱۰۰ فدان (۴۶۲ هکتار) زمین زیرکشت دارد، اعلام کرده که افزایش قیمت سوخت امسال، دست‌کم بیست تا بیست و پنج هزار دلار به هزینه‌هایش اضافه خواهد کرد و او راهی برای سوددهی یا جبران این هزینه‌ها نمی‌بیند جز فرو رفتن در باتلاق بدهی.

جان نیوتن، معاون امور اقتصادی اتحادیه مزرعه‌داران آمریکایی نیز توضیح داده که کشاورزان در شرایطی با این فشارها دست و پنجه نرم می‌کنند که از یک‌سو به عنوان مصرف‌کننده، سوخت را با قیمت خرد خریداری و محصول خود را با قیمت عمده به بازار عرضه می‌کنند و از سوی دیگر، بیشتر آنها توانایی ذخیره‌سازی سوخت یا پوشش ریسک نوسانات قیمت را ندارند. درو کینتز، کارشناس کشاورزی دانشگاه میزوری نیز در گفت‌وگو با آکسیوس تاکید کرده که عملیات برداشت که بیش از هر مرحله دیگری سوخت‌براست، تا ماه نوامبر ادامه دارد و مزارع متوسط برای هر هکتار ذرت بین پنج تا هشت گالن سوخت مصرف می‌کنند.

خروج از یک معادله پرهزینه

بنابراین آنچه از میان سطور گزارش‌های رسانه‌های غربی برمی‌آید، حکایت از آن دارد که جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران، به یک آزمون پرهزینه و دوسویه تبدیل شده است. معیشت مردم آمریکا و به‌ویژه قشرهای محروم و تولیدکنندگان این کشور، هزینه‌های سنگین این رویارویی را به صورت مستقیم لمس می‌کنند. این شرایط، دولت آمریکا را در موقعیت دشواری قرار داده؛ چراکه ادامه مسیر فعلی نه فقط چشم‌انداز روشنی برای تغییر رفتار ایران ترسیم نمی‌کند، بلکه هرروز به قیمت افزایش هزینه‌های سیاسی و اقتصادی برای دولت و حامیان آن تمام می‌شود.

می‌کند و با تأمین مالی لازم، نسبت به تعویض یا بهسازی آنها اقدام می‌کند.

تعویض موتورخانه‌های فرسوده، نصب تجهیزات هوشمند کنترل دما، اصلاح سامانه‌های گرمایشی، عایق کاری ساختمان و جایگزینی وسایل کم‌بازده می‌تواند در قالب فعالیت این شرکت‌ها انجام شود. نکته مهم این است که مشترک برای این اقدامات هزینه اولیه پرداخت نمی‌کند. سرمایه‌گذار هزینه را تقبیل می‌کند و در مقابل، از محل گاز صرفه‌جویی شده و گواهی‌های صرفه‌جویی، سرمایه‌خود را بازمی‌گرداند.

این سازوکار، یک معادله سه‌طرفه ایجاد می‌کند. خانوار تجهیزات بهتر دریافت می‌کند و درنتیجه از رفاه بالاتری برخوردار خواهد بود، برای سرمایه‌گذار نیز بازده اقتصادی دارد و شبکه گاز نیز در روزهای اوج مصرف، با فشار کمتری روبه‌رو می‌شود. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که بهینه‌سازی را از یک توصیه اخلاقی به یک فعالیت اقتصادی تبدیل می‌کند. از طرفی گاز صرفه‌جویی شده صرف‌افزایش تولید در بخش‌های مولد شده و می‌تواند به تحقق رشد هشت درصدی مبتنی بر قانون برنامه هفتم توسعه کشور کمک کند.

روزهای سرنوشت‌ساز برای نجات زمستانی

فاصله باقی مانده تا شروع سرما جدی، شاید فرصت اجرای پروژه‌های عظیم افزایش تولید را ندهد، اما برای آغاز پروژه‌های هدفمند بهینه‌سازی هنوز زمان وجود دارد. موتورخانه‌های پرمصرف، بخاری‌های کم‌بازده، ساختمان‌های قدیمی می‌توانند در اولویت قرار گیرند؛ به‌خصوص در دهک‌های پایین درآمدی. جایی که هر اقدام اصلاحی می‌تواند در مدتی کوتاه، صرفه‌جویی قابل توجهی ایجاد کند.

در کنار این سیاست، اصلاح تدریجی تعرفه برای مصارف بسیار بالا و به‌صورت پلکانی، پاداش به مشترکان صرفه‌جو، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش وابستگی نیروگاه‌ها به گاز نیز باید هم‌زمان دنبال شود. بحران ناترازی با یک نسخه واحد حل نمی‌شود. نه افزایش قیمت به تنهایی کافی است، نه توصیه به مردم برای صرفه‌جویی و نه حتی افزایش تولید. مسئله‌ای که طی سال‌ها شکل گرفته، به بسته‌ای ترکیبی از اصلاح قیمت به‌صورت تدریجی و پلکانی، سرمایه‌گذاری برای بهینه‌سازی

تجهیزات، نوسازی ساختمان‌ها و تغییر رفتار نیاز دارد. بااین حال، برای زمستان پیش‌روی یک تفاوت اساسی وجود دارد، زمان محدود است و هر روز تأخیر، هزینه بیشتری به شبکه انرژی کشور تحمیل می‌کند.

شاید امروز مهم‌ترین سؤال این باشد که آیا قرار است بار دیگر زمستان را با محدودیت تأمین سوخت صنایع، سوخت جایگزین در نیروگاه‌ها و فشار بر خانوارها پشت سر بگذاریم، یا این بار پیش از رسیدن سرما، سراغ همان گازی برویم که همین حالا در دیوارهای بدون عایق، موتورخانه‌های فرسوده و بخاری‌های کم‌بازده هدر می‌رود؟

بُر بودن انبارها به معنای دسترسی واقعی مردم به کالا نیست



موجودی کالا به معنای دسترسی مردم نیست؛ شورای عالی کار تصمیم‌مزد را بررسی کند.

حمیدرضا امام‌قلی‌نبار، بازرس مجمع عالی نمایندگان کارگران در تحلیل وضعیت معیشتی جامعه کارگری، بر لزوم توجه به «قدرت خرید» در کنار «موجودی کالاها» در بازار تأکید کرد. وی با اشاره به اینکه موجود بودن کالا در قفسه فروشگاه‌ها به تنهایی ملاک امنیت غذایی نیست، اظهار داشت: در شرایط فعلی، شکاف عمیقی میان قیمت کالاها و دستمزدهای دریافتی ایجاد شده است.

وی افزود: وقتی قیمت برخی اقلام ضروری از دستمزد روزانه کارگران پیشی می‌گیرد، وجود کالا در بازار به معنای دسترسی واقعی مردم به آن نیست. ما با وضعیتی مواجهیم که در آن کالا موجود است، اما به دلیل کاهش شدید قدرت خرید، برای بخش بزرگی از جامعه عملاً غیرقابل دسترس شده است. امام‌قلی‌نبار در ادامه با اشاره به شاخص‌های اقتصادی، گفت: کاهش تعداد تراکشن‌های بانکی و تغییر در الگوهای مصرف، نشان دهنده فشار مضاعفی است که بر سفره‌های مردم وارد شده است. مسئله اصلی امروز، بازگرداندن قدرت خرید به دست مصرف‌کننده است تا نیازهای اولیه مانند لبنیات و دارو، دوباره در دسترس اقشار آسیب‌پذیر قرار گیرد.

وی با نقد رویکردهای اقتصادی فکلسی افزود: تغییر در سیاست‌های کلان اقتصادی به گونه‌ای باشد که رفاه جامعه کارگری تأمین شود. در شرایطی که سفره مردم کم‌رنگ است، تنها گفتاردرمانی راهگشا نیست و باید اقدامات عملی برای مقابله با فقر صورت گیرد.

این بازرس مجمع عالی نمایندگان کارگران با اشاره به برگزاری روز و چهل و چهارمین جلسه شورای عالی کار در ساعت ۱۷ رزی یکشنبه (اول شهریور)، افزود: طبق دعوت‌نامه‌های ارسال شده، دستور کار این جلسه بر محورهای اداری و فنی مانند آیین دادرسی کار، اصلاح مواد ۹۹ تا ۹۹۶ و تدوین آیین‌نامه‌های ماده ۹۰ متمرکز است.

وی تأکید کرد: با توجه به وعده‌های اسفندماه برای به‌روزرسانی دستمزدها، اکنون در اول شهریورماه، چشم‌انتظار این هستیم که بدانیم آیا موضوع ترمیم‌مزد در این جلسه مورد بررسی قرار می‌گیرد یا خیر. در شرایطی که جامعه کارگری با فشارهای معیشتی سختی دست و پنجه نرم می‌کند، امیدواریم اولویت‌های جلسه شورای عالی کار از مسائل اداری به سمت نیازهای حیاتی کارگران تغییر یابد.